بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه40- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت ظن تاریخ: شنبه 23/10/96

**امکان تعبد به ظن. کلام مرحوم نائینی در عدم اجتماع مثلین یا ضدین**

**جهت اول بحث در مباحث ظنون این بود که آیا اساسا تعبد به ظن امکان دارد یا نه تا برسیم به وقوعش. شبهه ی جناب ابن قبه مطرح شد با تفصیل و توضیحی که بعدا به این شبهه اضافه شده بود. نتیجه ی همه ی مباحث گذشته این شد که هیچ مشکلی ندارد شارع احکام واقعیه ای داشته باشد و بنا بر مصالحی راهی ظنی را که اغلب به واقع می رساند، معتبر کند به عنوان راه و طرق وصول مکلف به آن احکام واقعیه، نه تفویت مصلحتی و نه القاء مفسده ای نه جمع بین مثلین و نه ضدین و نقیضین هیچ کدام در این جا راه نداشت. این خلاصه ی جهت اول بحث.**

**اما جهت دوم بحث. پس از اینکه تعبد به ظن عقلا ممکن شد و هیچ کدام از شبهات وارد نبود بحث این است که آیا واقع هم شده است یانه.**

**پیش از آنکه این جهت دوم مورد بحث قرار گیرد، یک اصل باید تأسیس بشود. مرادمان هم از اصل خصوص اصل عملی نیست. مرادمان از اصل قاعده ی اولیه و اساسی است در مسأله به اینکه ببینیم هر جا شک در حجیت امری داشتیم مقتضای قواعد اولیه که از عقل و عمومات استفاده می شود چیست. اگر شک در حجیت داشتیم بگوییم چون یقین به عدم حجتش نداریم حجت است یا بگوییم چون یقین به عدم حجتش نداریم بگوییم حجت نیست.**

**این جمله بین اصولیین بسیار مطرح است که بگوییم اصل در حجیت این است که یا حجیت ثابت شود و یا شک اگر کردیم شک در حجیت، مساوق است با قطع به عدم حجیت.**

**سؤال: یعنی چه، شک در حجیت به معنای قطع به عدم حجیت باشد؟ شک و قطع ضدین هستند. اگر شک در حجیت داری پس قطع به عدم حجیت نداری. اگر قطع به عدم حجیت داری پس شک نداری. چطور می فرمایید شک در حجیت مساوق است با قطع به عدم حجیت؟**

**جواب: مراد این است که شک در حجیت به معنای عدم حجیت بالفعل است. حجت یعنی چیزی که بالفعل حجت باشد. حجت یعنی چیزی که بالفعل حجت باشد و اگر شما شک کردید که این امر حجت است یا حجت نیست، پس قطع دارید که حجت بالفعل نیست. شک در حجیت مساوق است با قطع به عد حجیت یعنی مساوق است با قطع با عدم حجیت بالفعل.**

**سؤآل: حجیت باید با آثارش شناخته بشود. آثار حجیت چیست که می گویید شک در حجیت مساوق است با قطع به عدم حجیت؟**

**جواب: سه امر وجود دارد که ما آنها را جزء آثار حجیت معرفی کنیم.**

**1. صحه الاستناد الیها (حجه) فی مقام العمل. چرا نماز جمعه خواندی و نماز ظهر نخواندی؟ چون حجتت داشتم. یعنی چیزی که بتوانی عملت را مستند به آن کنی. بگویی من به این دلیل این کار را انجام دادم یا به این دلیل انجام ندادم.**

**2. صحه الاستناد الی الشارع المقدس. شما کی می توانی بگویی هذا من کلام الشارع. وقتی که حجت داشته باشی. پس اثر دوم حجیت صحه استناد به شارع است. اگر عمل کردم به عملی که ما قاله الشارع، هذا تشریع عملی. بدعت عملیه است. به عنوان اینکه این نمار 5رکعتی را خدا گفته است خواندم. اگر گفتم هذا قول الشارع می شود تشریع قولی. پس اثر دوم حجیت است که من مشرع نباشم. به اصطلاح عمومیش بدعت گذار نباشم.**

**رسائل یک اثر سومی را معرفی می کند و رد می کند و آن تنجیز واقع است.**

**توضیح مطلب: چه وقت واقع گریباننگیر شماست؟ وقتی که حجت داشته باشید. چه وقت گریبانگیر شما نیست؟ وقتی که حجت نداشته باشید. پس اثر دیگر حجت تنجیز واقع است.**

**ما مواردی داریم که می توانیم بدون حجت هم واقع را منجز کنیم ولو بگوییم اماره حجت نیست. یکی علم اجمالی کبیر به تکالیف واقعی. شما آیا می دانید که به نحو علم اجمالی مکلف به تکالیف الهی هستید؟ ولو اماره ای هم نداشته باشید. بله.**

**دوم علم اجمالی صغیر داشته باشییم. علم اجمالی داریم که واجب بر من ظهر است یا جمعه چه در شبهات حکمیه چه موضوعیه.**

**سوم گاهی تکلیف بر من منجز می شود حتی فقط با احتمال ولو اصلا علم اجمالی هم نباشد. در شبهه های قبل از فحص. مگر نه اینکه به شما می گویند هر وقت شبهه ای آمد باید فحص کنید؟ پس معلوم می شود که احتمال وجود حکم تا وقتی فحصت تمام نشده تو را مکلف به واقع کرده پس چنین نیست که تنجیز واقع را فقط اثر اماره بدانید.**

**إن قلت: پس کار اماره چیست؟**

**قلت: اگر اماره ای واقع شد و معتبر بود به اینکه بگوید مثلا ظهر واجب است، کارش این است که مسقط احتیاط شده و اگر هم تکلیفی را انجام دادی مخالف واقع بود عذر داری و مستحق عقاب نیستی.**

**از مجموع فرمایش شیخ اعظم با این بیانی که گفتم سه اثر بر حجیت استفاده شد. 1. صحه استناد در مقام عمل 2. صحه استناد به شارع مقدس 3. رفع وجوب احتیاط آنجا که در اطراف علم اجمالی باشد و نیز معذر بودن اماره. اما منجزیت به آن معنی را ایشان نپذیرفت. این توضیح مفصل شیخ.**

**اما مرحوم آخوند می گوید آن دو چیزی که شما فرمودید و قطعی هم در نظر گرفتید که اینها اثر حجیتند هیچکدام اثر حجت نیستند. نه صحه استناد در مقام عمل نه صحه اسناد به مولی اثر حجیت است بلکه بین این دو چیزی که فرمودید عموم و خصوص من وجه است چون از یک سو ممکن است چیزی حجت نباشد ولی بتوان به شارع استناد داد لو دل دلیل علی صحه الاستناد.**

**مثلا ثابت نشده است برای من خبر واحد حجت است ولی ولی دلیلی آمده اگر مؤدای خبر واحد را استناد دادی به شارع تشریع قولی و عملی نداده ای. همچنین ممکن است حجیت باشد ولی نتوان مؤدای آن را به شارع نسبت داد.کالظن علی الحکومه. در باب انسداد دو مبنای عمده است یکی حکومت و یکی کشف. ظن بنابر حکومت، مقدمات انسداد این است که عقل می گوید الظن حجه اما نمی توان به شارع نسبت داد. آن آقای انسدادی که ظن را حجت می داند هرگز نمی تواند مؤدای آن ظن را به شارع نسبت بدهد. اما اگر در انسداد قائل به کشف شدید در انسداد، طبیعتا می توانید استناد به شارع. من آخوند با ظن علی الکشف کاری نداریم و بنا بر ظن علی الحکومه کار دارم.**

**سؤآل: جناب آقای آخوند اثر حجیت چیست؟ می گوید اثر حجیت التنجیز عند المطابقه و التعذیر عند المخالفه. روز قیامت اگر به اماره عمل نکردم مستحق عقابم و اگر اماره بر خلاف واقع شد عذر دارم. یعنی اثر حجیت معذریت و منجزیت.**

**والحمد لله وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**